



خواجهربیع؛ بنایی که میان مدعیان بی‌خبر گیر افتاد و جسم نازکش هر روز نحیف‌تر شد (قسمت دوم)

قربانی نزاع پدرخوانده‌ها!

● نزاع بر سر موقوفه معروف!

تهران در تیرماه ۱۲۸۸هجری خورشیدی به دست مشروطه خواهان فتح شد و پس از آن، دامنه تغییرات به شهرهای دیگر، ازجمله مشهد، رسید. در آن زمان، چهره‌هایی مانند یوسف خان هراتی، نایب‌علی اکبر نوغانی و بعدها محمدعلی سالارالدوله، فضای شهر را ناامن می‌کردند و با شعارهای ضد مشروطه و تحصن در بست، طبقات سنتی و مذهبی را علیه حکومت نویا می‌شواریانند. والیان خراسان نیز پشت سرهم دستخوش تغییر می‌شدند تا ثبات، راهی به شهر نداشته باشد.

تولیت آستان قدس و دیگر موقوفات شهری، مانند موقوفات خواجه ربیع، گوهرشاد و مدرسه پریزاد، میان سنت و نظام اداری تازه سرگردان بودند و حتی دربرابر پذیرش آن مقاومت می‌کردند. در چنین بلبشویی در چند فرسختی شهر عده‌ای به درون یک باغ قدیمی می‌پریند وبا تبرهای افسارگسیخته‌شان، تن درختان کهنسال را می‌درند تا پرندگان خفته میان شاخ و برگشان به آسمان بگریزند. سکوت باغ درهم می‌شکند و فریادهای کلیددار هم راه به جایی نمی‌برد تا از سر ناچاری دست به قلم شود و به حکومت نامه بنویسد. در این میان، سندی به تاریخ ۶دی ماه

۱۲۸۸هجری خورشیدی، پرده از چندوچون این مناقشه برمی‌دارد. نامه‌ای ازسوی محمدجعفر حسینی، کلیددار خواجه ربیع، به وزارت داخله نگاشته شده است که در آن، نظام اداره خواجه ربیع تا پیش از آن زمان روشن می‌شود. در این مکتوب، تصریح شده که باغ و مزار خواجه ربیع به دست سلاطین صفوی بنا شده و برای آبیاری باغ و تعمیر مزار، باغ و زمین، قنات و موقوفاتی داشته است.

در همین نامه آمده است که در سال‌های پیش از آن، به سبب خرابی باغ، عمارت و بقعه و قنات، اداره محل با اتکا به احکام شرعی و فرمان‌های دولتی به حاجی میرزا محمدباقر مجتهد واگذار شده بود. براساس این گزارش، مجتهد افزون بر درآمد بنا، هزینه‌هایی شخصی نیز برای تنقیه قنات، آبادانی باغ و بقعه و غرس درختان صرف کرده بود تا اوضاع آنجا روبه‌راه بماند. پس از مرگ او نیز اداره مجموعه در دست برادرزاده اش، حاجی میرزاهاشم، قرار داشت که آشوب شهر به این فضا هم کشیده شد که شرح آن رفت.

این افراد ادعا می‌کنند که باغ حسین آباد و قنات آن، وقف مدرسه پریزاد است و با همین بهانه، در اوضاع آشفته شهر، هراگراهی سری به باغ خواجه می‌زنند و ضمن تخریب باغ، درختان کهنسال که نگارنده نامه آن‌ها را «غرس شده به دست سلاطین» می‌داند، را از حیات محروم می‌سازند. نویسنده نامه، با اشاره به اینکه این کار نه یک اختلاف عادی، بلکه تهدیدی علیه یک زیارتگاه عمومی است، از نظمیه می‌خواهد مانع این اقدامات شود. او همچنین پیشنهاد می‌کند علما، فقها، رئیس عدلیه و متولیان، در محضر

● جنگ بر سر تصاحب درآمد موقوفه!

چند ماه بعد، حدود اردیبهشت سال ۱۲۸۹، نامه‌ای ازسوی میرزاهاشم خطاب به نایب السلطنه، روند نامه نگاری‌ها را روشن‌تر می‌کند. نکته تازه در این مکاتبات، آن است که به‌ظاهر پس از بررسی‌ها، دوباره تأکید می‌شود که در محاضر شرع، ثابت شده است مزرعه مورد اختلاف، وقف تعمیر مزار خواجه ربیع است و مدرسه پریزاد حقی در آن ندارد.

میرزاهاشم نیز برای اینکه درآمد مزرعه را صرف بنا کند، نامه‌ای می‌نویسد و از دربار اجازه می‌گیرد تا خود را از سایر اتهامات مبرا کند. البته حامیان مدرسه پریزاد نیز سکوت نمی‌کنند و در اردیبهشت سال ۱۲۸۹، نامه‌ای به وزارت معارف می‌نویسند و از دخالت تولیت آستانه در امور اجاره ملک موقوفه مدرسه و بقعه خبر می‌دهند، درحالی‌که تولیت و اداره املاک متعلق به آن بر حسب وقف نامه‌ای که آن‌ها معتبر می‌خوانند، برعهده آقامیرزا سیدمرتضی (متولی) است و این دخالت را غیرشرعی می‌دانند.

در این مکتوب، درباره حاجی میرزاهاشم نیز می‌آید که او مستأجر سابق مزرعه حسین آباد خواجه ربیع بوده و هشت ماه پیش، مدت اجاره‌اش به پایان رسیده است. ظاهراً متولی مدرسه پریزاد، این ملک را به سیداحمد اجاره می‌دهد و همین موضوع باعث نزاع مستقیم میان آنان و میرزاهاشم و سپس تخریب باغ توسط آشوبگران می‌شود.

سیدمرتضی از آستان نیز گلایه دارد که در امور بقعه دخالت می‌کند و ادعا می‌کند چون میرزاهاشم

سیده‌نقیمه زینبی اقصه خواجه ربیع در دوره قاجار چنین پیش رفت که این مزار در چرخه‌ای ناتمام، میان مرمت‌های بی‌پایان و تخریب‌های گسترده، گیر افتاده بود و هرگز به سرمنزل احیای بنا نرسید. در نمای دور، این بقعه، باغی مفروح و تاریخی بود که گذر هر اهل مشهد و مسافری به آن می‌افتاد. اما هر سال، دریغ از بارسال!

گزارش‌های متعددی از تخریب و سرقت کاشی‌ها وجود داشت، اما فریادرسی نبود که بتواند این تصویر را درهم بشکند و رؤیای خواجه ربیع آباد را محقق کند. بسیاری از کسانی که آرزوی آبادانی این مزار را داشتند، این رؤیا را با خود به دل خاک بردند. در گذار میان قاجار و پهلوی، نامه نگاری‌هایی برجای مانده است که امکان تماشای این بنای تاریخی را از نمایی نزدیک‌تر فراهم می‌سازد، بنایی تاریخی و زیارتی با فرسودگی تدریجی باغ، قنات و کاشی‌کاری‌ها که احیا و مرمت آن، در میان اختلاف نظر‌ها بر سر موقوفات، معلق مانده است. در این اسناد، نام کلنل محمدتقی پسیان نیز به میان آمده است که برای رفع مشکلات باغ، واسطه‌گری می‌کند. روایت آن سال‌ها، شرح پریهاوی شهری است که خواجه ربیع در آن، بارها آماج هجمه و تخریب مدعیان قرار می‌گیرد تا عایدات این بقعه را از آن خود کنند.

به این موقوفه می‌زند و مرقوم می‌دارد: «چند روز قبل که در گردش به خواجه ربیع رفته بودم، مقبره را در حال اسفتاکی مشاهده نمودم.» پسیان حتی نامه‌ای به سید جواد ظهیرالاسلام، متولی آستان قدس در آن زمان، می‌نویسد و نامه‌ها را به او ارجاع می‌دهد تا هرطور شده، برای تعمیر بقعه خواجه ربیع تلاش کنند.

پسیان در این نامه‌ها، حاجی میرزاهاشم کلیددار را مسئول و میرزا اسماعیل، سرکشیک سوم، را مستأجر آنجا معرفی می‌کند تا معلوم شود که حرف میرزاهاشم به کرسی نشسته، اما از پس نگهداری بقعه به خوبی برنیاآمده است. پسیان در پایان نامه‌اش می‌خواهد که بقعه، تعمیر و حرمت آن حفظ شود. حال مزار، ما را با این واقعیت تلخ و بی‌پرده روبه‌رو می‌کند که این بنای تاریخی در آن سال‌ها به حال خود رها شده بود و فریادرسی نداشت.

چندین سال آنجا را تصرف کرده، حال با را فراتر گذاشته است و اکنون مسئله حق تولیت آنجا را مطرح می‌کند، حتی نگارنده مدعی می‌شود که میرزاهاشم از نایب السلطنه خواسته است تا تولیت قبر فتحعلی خان قاجار، که در همسایگی قبر خواجه قرار دارد، به او سپرده شود تا دلیلی برای دخالت در امور بقعه پیدا کند.

فارغ از میزان صحت و سقم این ادعاها، اسناد حکایت از آن دارند که در نبود نظامی مشخص، هر کدام از طرفین بر سر مسئولیت ملک حسین آباد ادعای مالکیت داشتند. اختلاف، فقط درباره مالکیت زمین نبود؛ مسئله اصلی، تعیین محل مصرف درآمد‌های موقوفه بود؛ آیا درآمد باید صرف مدرسه پریزاد می‌شد یا صرف تعمیر باغ و بقعه خواجه ربیع؟ از میان همین گفت‌وگوها، می‌توان به‌روشنی دریافت که نظام اداره موقوفات و درآمد‌های آن‌ها تا چه اندازه دچار هرج و مرج بود. ادعاها گوش فلک را کر می‌کرد. اما در این میان، موضوعی که اهمیت چندانی نداشت، مسئله حفاظت و مرمت بنا بود.

در همان سال‌ها، پس از رسیدگی به ادعای دو طرف، ظاهراً حق را به حاجی میرزا جعفر می‌دهند و او نیز، به منظور اثبات، موقوفه را بدون دریافت عشر حق التولیه و با اطلاع نمایندگان تولیت و ایالت، برای تعمیر باغ و عمارت خواجه ربیع صرف می‌کند. با دانستن این قصه، مزار خواجه ربیع همچون کودکی است که میان نزاع پدرخوانده‌ها بر سر اموال، گیر افتاده است و در بی‌پناهی، هر روز ضعیف‌تر و نحیف‌تر می‌شود.

● موقوفه به اوقاف رسید

باغ و بقعه‌ای که به حال خود رها شده بود، هر روز فرسوده‌تر و ویران‌تر می‌شود. این کشمکش‌ها در سال ۱۳۰۰، زمانی که کلنل محمدتقی پسیان حاکم نظامی خراسان است و نقش مهمی در امور نظامی و اداری این شهر دارد، پای او را نیز به ماجرا باز می‌کند. در آن سال‌ها، او که پرونده بروپیمان نزاع میان دو گروه را دیده بود، سری

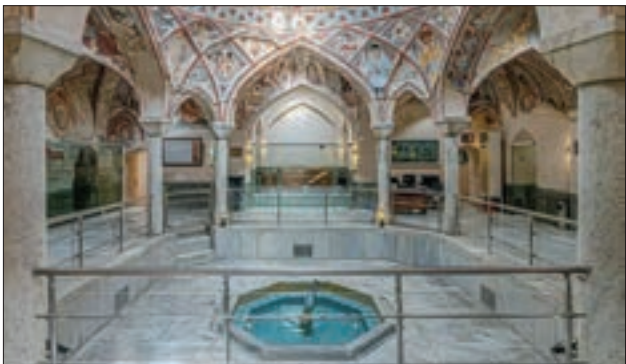


تزیینات مزار خواجه ربیع/ عکاس، هانری رنه دالماتی- سال ۱۹۰۰ میلادی

تاریخ
نگار

گذری بر احوال بنای قدیمی اطراف حرم مطهر که روایتی از زندگی گذشتگان در قلب مشهد است

از حمام صفوی تا موزه مردم شناسی



زهرآ زنگنه حمامی چهارصدساله در یکی از گذرهای قدیمی مشهد، امروز ایستگاهی است برای مرور بخشی از زندگی، آداب و فرهنگ مردم گذشته. این فضای تاریخی، «حمام مهدی قلی‌بیک» نام دارد که پس از سال‌ها فعالیت و سپس دوره‌ای متروک ماندن، در سال ۱۳۸۵ احیا شد و عنوان موزه مردم‌شناسی آستان قدس رضوی به آن اختصاص یافت. در گفت‌وگو با عبدالحسین ملک جعفریان، رئیس اداره گنجینه‌های موزه آستان قدس رضوی، این موزه، پیشینه بنا، روند تغییرات آن و برخی اشیای شاخص موجود در این مجموعه کهن و ارزشمند را معرفی کرده‌ایم.

● بنای به‌جامانده از ۴ قرن پیش

داستان موزه مردم‌شناسی آستان قدس رضوی را باید از خود بنا آغاز کرد؛ حمامی تاریخی که بیش از چهار قرن پیش ساخته شد. حمام مهدی قلی‌بیک به دستور شخصی به همین نام، میرآخور شاه عباس صفوی، در سال هجری قمری احداث و برای استفاده زائران و مجاوران، وقف حرم مطهر امام‌رضا(ع) شد. این حمام در محله سرسوق و در مسیر یکی از معابر مهم مشهد قرار داشت و تا سال ۱۳۶۷ همچنان فعال بود. با گذشت زمان و تغییر شرایط، فعالیت آن متوقف شد و به تدریج با شکل‌گیری حمام در منازل و مراکز اقامتی، این فضا از رونق افتاد. سرانجام در سال ۱۳۷۶ با شماره ۱۳۷۴ در فهرست آثار تاریخی کشور به ثبت رسید و دو سال بعد، عملیات مرمت و بازسازی آن آغاز شد.

● جاری شدن حیات؛ زیر سقف حمام

مرمت حمام مهدی قلی‌بیک تنها یک عملیات عمرانی برای حفظ یک بنای قدیمی نبود، قرار بود فضایی که زمانی، بخشی از زندگی روزمره مردم مشهد را در خود رقم زده بود، این بار با کارکردی متفاوت وارد چرخه فرهنگی شهر شود. کارشناسان و معماران سنتی در جریان این پروژه، بخش‌های مختلف بنا ازجمله سردر، هشتی ورودی، سربینه، میان‌در، خزینه، تون و استخر آب سرد را مرمت و بازسازی کردند. پس از انجام این اقدامات، مساحت مجموعه به حدود ۱۸۷۵ مترمربع رسید و این حمام تاریخی در سال ۱۳۸۵ با کاربری موزه مردم‌شناسی، به یکی از موزه‌های تخصصی آستان قدس رضوی تبدیل شد. امروز بازدیدکننده هنگام ورود به این مجموعه، تنها با ویرترین‌هایی از اشیای قدیمی مواجه نیست، بلکه در فضایی قدم می‌زند که خود بخشی از موضوع موزه است و معماری، تزیینات و بخش‌های مختلف آن در کنار اشیا، تصویری از زندگی مردم در گذشته ارائه می‌کنند.



● بخش برای روایت یک زندگی از گذشتگان

موزه مردم‌شناسی در چهار بخش اصلی شکل گرفته است. نخستین بخش، سربینه یا رختکن حمام است؛ فضایی که در گذشته فقط محلی برای تعویض لباس نبود و پذیرایی پس از استحمام و تعاملات اجتماعی و شغلی نیز در آن رخ می‌داد. چهار سکوی سربینه امروزه پس از تبدیل حمام به موزه به محل نمایش مجموعه‌ای از اشیای قدیمی تبدیل شده است؛ از پوشاک محلی و منسوجات گرفته تا وسایل آرایشی، ابزارهای روشنایی، سماورها، دوست‌کامی‌ها و قهوه‌جوش‌ها. در گرمخانه که محل اصلی استحمام بوده است، یک خزینه و سه سکو وجود دارد و وسایل مرتبط با استحمام و حجامت به نمایش درآمده است. در پشت خزینه نیز تون یا آتشدخانه قرار دارد؛ جایی که در گذشته، آتش در آن روشن می‌شد و گرمای مورد نیاز حمام را تأمین می‌کرد. بخش چهارم، چاله حوض یا استخر آب سرد است که زمانی برای شنا و آب‌تنی استفاده می‌شد.

● از ترمه و جعبه آینه تا یادکش حجامت

در میان اشیای موجود در موزه، نمونه‌هایی وجود دارد که هر کدام گوشه‌ای از سبک زندگی مردم در دوره‌های گذشته را روایت می‌کنند. یک سوزنی ترمه براق دوزی شده با طرح بته جقه «قهروآشتی» جزو این آثار است که حاشیه‌های آن با براق و ریشه تزیین شده است و کتیبه‌ای مربوط به سال ۱۱۳۳ نیز روی آن دیده می‌شود.

جعبه آینه خاتم‌کاری شده، یکی دیگر از اشیای قابل توجه موزه است. این جعبه برای نگهداری لوازم آرایشی استفاده می‌شده و درون آن، کتوهای با فضاهای کوچک برای قرار دادن وسایل مختلف، تعبیه شده است. پیاله طلسمات با نقوش گیاهی و اسلیمی و ایاتی از قرآن کریم، یادکش مخصوص حجامت و سرویس سماور برنجی قلم‌زنی شده، از دیگر آثار شاخص این مجموعه هستند. در کنار این اشیا، ابزارهای مربوط به حرفه آهنگری و وسایل ورزش زورخانه‌ای و فرهنگ پهلوانی نیز به نمایش درآمده است.

● دیوارهایی که خود اشیای موزه‌اند

یکی از ویژگی‌های متمایز حمام مهدی قلی‌بیک، تزیینات نقاشی سربینه است. نقاشی‌های این بخش در سیزده لایه شکل گرفته‌اند. قدیمی‌ترین لایه به دوره صفوی و جدیدترین آن به اواخر دوره قاجار تعلق دارد.

لایه‌ای که امروز در معرض دید بازدیدکنندگان قرار دارد، تصاویری از زندگی اجتماعی مردم، داستان‌های شاهانه و افسانه‌های قدیمی ایران را به نمایش می‌گذارد. به این ترتیب، حتی دیوارهای حمام نیز در روایت موزه سهم دارند و در کنار اشیا، بخشی از فضای فرهنگی و اجتماعی دوره‌های گذشته را بازسازی می‌کنند. در راهروی چاله حوض نیز عکس‌های تاریخی و قدیمی حرم مطهر رضوی و بافت قدیم مشهد نصب شده است. این تصاویر، تغییرات اماکن متبرکه رضوی و سیمای شهر مشهد را در گذر زمان نشان می‌دهند و در کنار آن‌ها، تصاویری از برخی مشاغل قدیمی قرار گرفته که امروز کمتر اثری از آن‌ها باقی مانده است.

موزه مردم‌شناسی آستان قدس رضوی به این ترتیب، روایت خود را فقط از طریق اشیا پیش نمی‌برد؛ معماری، نقاشی، عکس و فضای حمام نیز بخشی از این روایت‌اند. مجموعه‌ای که روزگاری محل استحمام مردم بود، امروز فرصتی برای دیدن بخشی از گذشته اجتماعی و فرهنگی مشهد و انتقال آن به نسل‌های بعد، فراهم کرده است.

موزه روزهای شنبه تا چهارشنبه، از ساعت ۸ تا ۱۲:۳۰ پذیرای علاقه‌مندان است. بازدید گروهی در نوبت عصر و روزهای تعطیل نیز با هماهنگی قبلی، امکان پذیر است.

شهر
نگار

اشنبه
۱۵ شهریور ۱۴۰۵
۲۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
شماره ۲۸۸۹

۱۵

↓

تاریخ
و
هویت

قسمت اول
این گزارش
را اینجا بخوانید

